

روش شناسی سید مرتضی رحمته الله علیه در علم کلام

علیرضا امامی میبیدی^۱

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی^۲

چکیده:

سید مرتضی به تأسی از استاد عقل گرای خود شیخ مفید، و به عنوان عالمی تربیت یافته در مدرسه بغداد، برای عقل جایگاه ویژه ای در مباحث کلامی قائل بود و به صورت گسترده از استدلالهای عقلی بهره می برد. گرچه از ادله سمعی نیز غافل نبوده و در جای خود از این طریق معرفت زا نیز استفاده می نمود. همین رویکرد و روش، باعث پدید آمدن آثار متعدد کلامی سید، با رنگ و بوی عقل و در عین حال برخوردار از میراث منقول شد؛ آثاری که به حق توانست در تثبیت مذهب تشیع و برطرف نمودن ایرادات و شبهات مخالفان آن، نقش به سزایی ایفاء نماید. گرچه سید مرتضی در اساس روش کلامی خود ادامه دهنده راهی است که شیخ مفید در مواجهه با مکتب نص‌گرایی و عقل‌گرایی افراطی تأسیس نمود، ولی در بعضی از امور نیز میان آن دو اختلاف نظر وجود دارد.

واژه های کلیدی: سید مرتضی، شیخ مفید، روش‌شناسی، روش کلامی، عقل‌گرایی.

۱. دانش‌پژوه سطح چهار کلام اسلامی - موسسه امام صادق علیه السلام.

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقدمه

ابوالقاسم علی بن الحسین بن موسی معروف به سید مرتضی و شریف مرتضی، در سال ۳۵۵ هجری قمری در محله کرخ بغداد به دنیا آمد و عمر خود را در این شهر گذراند، و در سال ۴۳۶ هجری قمری در همان شهر وفات نمود (افندی، بی تا، ۴: ۱۴). سید مرتضی از شخصیت‌های برجسته و کم نظیر در جهان تشیع و بلکه در دنیای اسلام است. خواجه نصیر الدین طوسی که به سلطان المحققین ملقب گردیده است، هرگاه در مجلس درس خود از وی یاد می‌کرد می‌گفت: صلوات الله علیه. آنگاه رو به حضار می‌کرد و می‌افزود: کیف لا یصلی علی المرتضی (نغمه، ۱۹۸۷: ۳۳۹). علامه حلی نیز که خود از نوابغ علمی است، او را رکن و استاد امامیه شمرده است (حلیف ۱۴۲۲: ۱۷۹).

در ارتباط با تأثیر پذیری سید مرتضی از استادش شیخ مفید نیز به طور کلی می‌توان گفت وی راهی را که استادش در احیای مذهب شیعه امامیه و تبیین آن در عصر خود آغاز نموده بود، با قوت تمام ادامه داد و در تثبیت و ترویج آن کوشش بسیار نمود.

ما در این نوشتار برآنیم تا ویژگی‌های روش شناختی سید مرتضی را در علم کلام - اعم از تألیف و تدوین، بهره‌گیری از علوم مختلف، مواجهه و برخورد با اندیشه‌های دیگران و جایگاه عقل و نقل در روش کلامی وی - تبیین کرده، تأثیر پذیری روش کلامی وی از شیوه استادش شیخ مفید^۱ در علم کلام را با ذکر موارد اختلافی میان آن دو بیان نماییم.

۱ «محمد بن محمد بن نعمان بن عبدالسلام» مکنی به «ابوعبدالله» در سال ۳۳۶ هجری قمری در شهر عکبری (در ده فرسنگی بغداد) دیده به جهان گشود (نجاشی، ۱۴۲۷: ۴۰۲). شیخ طوسی می‌گوید: «محمد بن محمد بن نعمان دانشمندی بزرگ و موثق است» (طوسی، ۱۴۱۵: ۵۱۴). نیز می‌نویسد: «در علم فقه و کلام بر هر کس برتری داشت. دانشمندی حاضر جواب بود و نزدیک به ۲۰۰ جلد کتاب از او به یادگار مانده است» (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۷). ابن شهر آشوب می‌نویسد: «حضرت ولی عصر (عج) او را به «شیخ مفید» ملقب فرمود» (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۱۲). نجاشی می‌گوید: «مقام والای استاد ما - رضی الله عنه - در علم کلام و روایت و وثاقت، مشهورتر و معروف‌تر از آن است که به وصف آید.» (نجاشی، همان: ۳۹۹). شیخ مفید در جمعه دوم یا سوم رمضان ۴۱۳ هـ ق در بغداد وفات نمود و پس از تشییع بسیار باشکوه در خانه‌اش دفن شد؛ بعدها او را به کاظمین منتقل نمودند.

روش تألیفی و تدوینی سید مرتضی

سید مرتضی همانند استادش شیخ مفید از علمای پر تألیف و در مباحث کلامی نیز دارای کتاب‌های متعددی می باشد؛ که از جمله آنها کتاب «الذخیره فی علم الکلام»، «جمل العلم و العمل»، «الشافی فی الامامة»، «الملخص فی اصول الدین»، «تنزیة الأنبياء» و ... می باشد. سید در هر یک از این کتاب‌ها با شیوه مخصوص و متناسب با اهداف و رسالت هر یک از کتاب‌های مذکور به تدوین و تنظیم مباحث کلامی پرداخته است.

از میان تألیفات ایشان دو کتاب «الذخیره» و «جمل العلم و العمل» دارای جامعیت بیشتری است و خصوصاً کتاب اخیر شامل تمامی مباحث کلامی مطرح در زمان مؤلف می باشد. کتاب «الملخص» صرفاً حاوی مباحث توحیدی است، و کتاب «تنزیة الانبياء» و «الشافی» نیز به ترتیب در دو حوزه اختصاصی عصمت انبیاء و اوصیاء عليهم السلام و امامت تدوین شده است.

تنظیم و چینش مباحث هر یک از این کتاب‌ها نیز به شرح زیر می باشد:

کتاب «الذخیره» در قالب چهارده باب شامل مباحث فعل الهی، استطاعة، تکلیف، وجوب معرفت، لطف، اصلح، آلام و آجال و ارزاق، ثواب و عقاب، نبوت، امامت، معاد، امر به معروف و نهی از منکر می باشد.

در «جمل العلم و العمل» به صورت اجمالی و مختصر به مباحث اصول و فروع دین پرداخته شده^۱ و مباحث کلامی آن در پنج بخش و به ترتیب مباحث توحید، معاد، نبوت، امامت، آجال و اسعار و ارزاق تنظیم شده است.

کتاب «الملخص» در سه جزء و در ضمن شصت و هشت فصل تدوین و در آن پس از اثبات محدث به صورت تفصیلی به بحث از صفات و افعال الهی پرداخته شده است. بحث از صفات خداوند، مفصل‌ترین بخش کتاب است. در باب‌ها و فصل‌های کتاب، نویسنده به تفصیل به بحث‌های کلامی مربوط به توحید، صفات و افعال الهی پرداخته و اندیشه‌ها و نظریات متکلمان مسلمان معاصر و متقدم بر خود را نظیر: قاضی عبدالجبار، أبوعلی و أبوهاشم جبائی، یحیی بن عدتی، ضرار بن عمرو، ابن کلاب،

۱. به همین جهت نیز به جمل العلم و العمل نام‌گذاری شده است.

سلیمان بن جریر، نظام، عباد بن سلیمان، ابوبکر بن عیاش، ابوعبدالله بصری، ابوالهذیل علف، جهم بن صفوان، نجار، صالح بن عمر صالحی، و جز این‌ها را مطرح نموده است. آن‌گونه که از کتاب «الملخص» بر می‌آید، سید مرتضی نخست به هدف تدوین کتابی جامع و مفصل درباره اندیشه‌های خود در اصول پنج‌گانه اقدام می‌کند، ولی در هنگام تدوین موانعی او را از انجام کار بازمی‌دارد، و تنها موفق به تدوین بحث‌های متعلق به دو اصل توحید و صفات می‌گردد، و بحث‌های متعلق به سه اصل نبوت و امامت و معاد را به کتاب دیگر خود یعنی «الذخیره» حواله می‌دهد. وی در آغاز کتاب «الذخیره» نیز به همین موضوع اشاره دارد، و خوانندگان کتاب‌های خود را به جمع میان دو کتاب فرا می‌خواند؛ همچنان که در پایان کتاب «الذخیره» نیز مجدداً به این نکته تصریح می‌کند.^۱

کتاب «الشافی فی الإمامة» که به مباحث امامت اختصاص و در ردّ کتاب «المغنی» قاضی عبدالجبار معتزلی نگارش یافته، در چهار جزء به امامت عقلی و نقلی و تبیین صفات امام، پاسخ‌گویی به شبهات و ایرادات مربوط به امامت و خلافت و ابطال دیدگاه‌های مخالفین، و به خصوص رد افکار قاضی عبدالجبار پرداخته است. کتاب «تنزیه الانبیاء» در دو بخش تنظیم شده و در بخش اول بحث عصمت انبیاء علیهم‌السلام و در بخش دوم مباحث مربوط به عصمت ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده است. گفتنی است که سید مرتضی رساله‌های بسیاری نیز در موضوعات مختلف تألیف کرده است که مجموعه آنها با نام «رسائل الشریف المرتضی» منتشر شده است. در ضمن رساله‌ها و مباحث مختلف این کتاب اکثر مسائل اصلی و فرعی کلامی نیز مطرح شده است، که به جهت تدوین رساله‌ای و عدم نظام‌بندی خاص، دارای چینش منظمی در این موضوعات نمی‌باشد.

۱. فلما وقف تمام املاء الملخص - لعوائق الزمان التي لا تملك - تغيرت النية في كتابنا هذا، و زدنا في بسطه و شرحه، و إذا جمع بين ما خرج من كتاب «الملخص» و جعل ما انتهى إليه كأنه لهذا الكتاب، وجد بذلك الكلام في جميع أبواب الأصول مستوفى مستقصى (سید مرتضی، ۱۴۱: ۶۰۷).

کارکرد علوم در روش شناسی سید مرتضی

سید مرتضی با بهره برداری از علوم مختلف، و با به کارگیری ابزارهای معرفتی و در قالب‌های منطقی به تبیین کلام شیعی و دفاع از آن پرداخته است:

منطق

گرچه مسائل منطقی در میان مکتوبات مرحوم سید مرتضی به صورت مدوّن و منسجم وجود ندارد، ولی تعریف و تبیین بعضی از مفاهیم مرتبط با استدلال‌های منطقی مانند: دلیل، استدلال، برهان، حجت، تمثیل یا همان قیاس فقهی و جدل به صورت پراکنده مورد نظر ایشان بوده و به صورت عملی به کار گرفته است (علم‌الهدی، ۱۴۱۰، ۲: ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰ و ۲۷۹). از دیگر اصطلاحات مطرح در علم منطق که مورد توجه سید مرتضی قرار گرفته و به تعریف آنها پرداخته است، بدیهی، ذهن، تصور، تخیل، جنس، تضاد، تناقض، تماثل، تخالف و ... می‌باشد (همان، ۲: ۲۶۵، ۲۷۱، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۵، ۲۸۵ و ۲۸۲).

البته در عین توجه به تعریف این بخش از اصطلاحات منطقی، سید مرتضی در مباحث خود از این واژه‌ها و دیگر اصطلاحات منطقی چندان نام نمی‌برد و عملاً به کاربرد آنها پرداخته است. بر همین اساس در میان آثار متعدد ایشان می‌توان به شیوه‌های مختلف منطقی و انواع مختلف استدلال از جمله: برهان سبر و تقسیم، برهان شاهد و غائب، برهان خلف، قیاس استثنایی انفصالی و اتصالی، قیاس اقترانی و غیره به وفور دست یافت (همو، ۱۴۱۱: ۸۸، ۲۲۶ و ۳۴۷؛ همو، ۱۴۱۹: ۶۵، ۶۷، ۷۱، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۲؛ همو، ۱۳۸۱: ۴۵). در این میان فقط برهان شاهد و غائب با به کارگرفتن همین اصطلاح مورد استفاده سید مرتضی قرار گرفته است (همو، ۱۴۰۹: ۱۱؛ همو، ۱۴۱۰، ۱: ۳۵۹؛ همو، ۱۴۱۰ [الف]، ۲: ۱۵؛ همو، ۱۳۸۱: ۷۳، ۲۰۸، ۳۸۹ و ۳۹۵).

سید در زمینه علم منطق و کاربرد آن در علم کلام چندان از استاد خود شیخ مفید فراتر نرفته و همانند وی بیشتر به استفاده عملی از این علم بسنده کرده است.^۱

۱. برای پی بردن به نمونه‌هایی از کارکرد عملی منطق در روش شیخ مفید، ر.ک. مفید، ۱۴۱۳:

۱۶؛ همو، ۱۴۱۴: ۳۱.

معرفت‌شناسی

گرچه معرفت‌شناسی به صورتی که امروزه به عنوان شاخه‌ای مستقل از علوم انسانی مطرح است، در دوره‌های پیشین سابقه نداشته، ولی متکلمان اسلامی در آغاز مباحث کلامی خود یا در بحث مربوط به «وجوب نظر» و مانند آن، پاره‌ای از مسایل مهم معرفت‌شناسی را مورد بحث قرار داده‌اند. سید مرتضی در کتاب «الذخیره» درباره تفکر و حقیقت و اسباب و شرایط آن سخن گفته است (همو، ۱۴۱۱: ۱۵۴)، چنان که در رساله «الحدود و الحقائق» به تبیین پاره‌ای از مفاهیم مربوط به معرفت‌شناسی پرداخته است که مفاهیم علم و اعتقاد (همو، ۱۴۱۰، ۲: ۲۷۶؛ همو، ۱۴۱۱: ۱۵۴؛ همو، ۱۳۶۳: ۲۰)، یقین (همو، ۱۴۱۰، ۲: ۲۸۹)، حق (همان، ۲: ۲۸۹)، جهل (همان، ۲: ۲۶۷)، شک (همان، ۲: ۲۷۳) و ظن (همان، ۲: ۲۷۶؛ همو، ۱۳۶۳، ۱: ۲۳)، از آن جمله است. وی همچنین به جایگاه هر یک از طرق شناخت پرداخته و در کنار حجیت ادراک حسی (همو، ۱۴۱۰، ۲: ۲۶۲ و ۲۶۹) و نیز درک شهودی و الهامی^۱ و عدم حجیت تقلید (همان، ۲: ۲۶۵ و ۳۱۶-۳۱۷؛ همو ۱۴۱۱: ۱۶۴-۱۶۵)، به معرفت عقلی و نقلی به عنوان دو طریق شناخت می پردازد.

شایان ذکر است در این زمینه نیز تفاوت محسوسی بین شیخ مفید و سید مرتضی وجود ندارد.

فلسفه

سید مرتضی از متکلمان عقل‌گرای غیر فلسفی است؛ یعنی مباحث کلامی را به شیوه‌ای که متکلمان عقل‌گرای دارای مشرب فلسفی - مانند خواجه نصیرالدین طوسی - از بحث‌های فلسفی آغاز کرده‌اند، شروع نکرده و درباره فلسفه اولی نفیاً و اثباتاً موضعی نگرفته است. شیخ مفید در عین گرایش غیر فلسفی داشتن، مسائل عقلی محض یا همان فلسفی را تحت عنوان «باب القول فی اللطیف من الکلام» مورد توجه قرار داده (ن.ک: مفید، ۱۴۱۳ [الف]: ۹۵) و به اموری چون: جوهر و احکام آن،

۱. مرحوم علم‌الهدی، راه‌های معرفتی غیرعادی یا همان طریق شهودی مانند وحی و الهام را نیز می‌پذیرد. گرچه اصل قبول نبوت دلالت بر پذیرش چنین طریق معرفتی می‌کند، ولی علاوه بر این ایشان در بحث علم امام به علم به امور غیبی اشاره و آن را برای امام از لحاظ عقلی ممکن، و بر اساس اخبار رسیده امری محقق می‌داند. ر.ک. سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۸۲ و ۳: ۱۳۰-۱۳۱.

اجسام، اعراض، معدوم، ماهیت عالم، خلأ و ملأ، زمان و مکان و غیره پرداخته است (مفید، ۱۴۱۴: ۱۸؛ همو، ۱۴۱۳: ۲۸؛ همو، ۱۴۱۳ [الف]: ۹۶؛ همو، ۱۴۱۳ [ب]: ۵۹؛ همو، ۱۴۱۳ [ج]: ۶۰) اما سید مرتضی مانند شیخ مفید عمل نکرده است، و صرفاً در لابلائی مباحث کلامی، پاره‌ای مفاهیم و مسایل فلسفی را به کار برده است (سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۲؛ ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۹ و ۲۸۴؛ ۲۳: ۳؛ ۳۳۱-۳۳۴، ۱۵۱؛ همو، ۱۴۱۱: ۵۷۴ و ...). در این باره می‌توان از مباحثی چون: تقسیم موجود به واجب، ممکن، ممتنع و دیگر انواع موجود (سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۲؛ ۲۸۹، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۶۸، ۲۶۹ و ۲۸۲). مسأله جواهر و اعراض و موضوعاتی جانبی چون ماده اولی و هیولی، کیفیت ایجاد و غیره (سید مرتضی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۴۴؛ همو، ۱۳۸۱: ۴۱ و ۲۹۹؛ همو، ۱۴۱۰: ۴: ۲۳ و ۳: ۳۳۱-۳۳۴ و ۱۵۱)، و مبحث اعاده معدوم و امکان و عدم امکان آن (همو، ۱۳۸۱: ۱۴۴-۱۵۳) نام برد.

آنچه در این زمینه مهم می‌نماید این است که سید مرتضی نیز همانند استاد خود، در بررسی مسائل کلامی نسبت به آراء فلاسفه اهتمام خاصی ندارد و از فلسفه برای اثبات مسائل کلامی بهره‌چندانی نبرده است.

اصول فقه

از آنجا که علم کلام علمی عقلی - نقلی است لذا بسیاری از مسائل اصول فقه در این علم نیز کاربرد دارد. شایان ذکر است سید مرتضی در علم اصول سرآمد متقدمین به شمار می‌رود و کتاب «الذریعة الی اصول الشریعة» وی شاهدهی بر این مطلب می‌باشد. سید در مقدمه همین کتاب ضمن بیان جایگاه اصول فقه، آن را مترتب بر اصول دین دانسته است (همو، ۱۳۶۳، ۱: ۲ و ۴)؛ که مقصود اعتقاداتی است که مبنا و پایه برای متون وحیانی و نقلی می‌باشد.

ایشان در همین کتاب به طرح مباحثی چون اجماع، قیاس و اجتهاد در کتاب‌های کلامی خود اشاره نموده است (همان). البته در میان مباحث اصولی بعضی از موضوعات کلامی مانند بداء و نسخ ادیان گذشته را نیز مورد بررسی قرار داده است (همان، ۱: ۴۲۱).

از جمله مباحثی که در تقسیمات علوم از مباحث اصول فقه شمرده شده و در کتابهای کلامی سید مرتضی مورد استفاده قرار گرفته، می‌توان به حجیت علم و جایگاه ظن، اخبار متواتر و واحد، حجیت عقل، اجماع، عرف شرعی و غیره، اشاره نمود؛ که تفصیل آنها در ادامه و در ضمن بررسی منزلت عقل و نقل مطرح خواهد شد.

این شیوه تعاملی بین دو علم اصول فقه و کلام پیش از سید مرتضی و در زمان شیخ مفید نیز مطرح بوده است (مفید، ۱۴۱۳ [د]: ۱۳۹ و ۱۶۳؛ همو، ۱۴۱۳ [د]: ۶۸، ۷۰ و ۸۷-۸۸؛ همو، ۱۴۱۳ [الف]: ۸۴، ۸۹، ۱۲۱-۱۲۳ و ۱۳۹).

ادبیات

از جمله خصوصیات ویژه سید مرتضی، تبخّر وی در علوم ادبی مانند: لغت، صرف و نحو، معانی بیان، شعر و ... می‌باشد. در شرح حال ایشان نقل شده است که وی اطلاعات وسیعی در علوم عربی داشته و حتی بعضی از علمای ادبیات، علم ایشان در بعضی از امور ادبی را بیشتر از امثال سیبویه می‌دانسته اند.^۱

شریف مرتضی ضمن مباحث کلامی، به تفصیل در مباحث ادبی ورود کرده و به بحث پرداخته است؛ که از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود: مباحث لفظی مربوط به بعضی از الفاظ به کار رفته درباره خداوند (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۴: ۳۴۰)، تفاوت نبی و رسول (همو، ۱۳۶۳: ۳۲۲)، آیه ولایت (همان: ۳۴۸)، حدیث غدیر (همو، ۱۴۱۰، ۳: ۲۵۲-۲۵۵؛ همو، ۱۳۶۳: ۴۴۸-۴۵۲)، حدیث منزلت (همو، ۱۴۱۰ [الف]: ۳: ۵)، حدیث عشیره (همان، ۳: ۷۶)، بررسی آیات و احادیث مرتبط با عصمت پیامبران علیهم‌السلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام از لحاظ علوم ادبی و بررسی اشعار مرتبط با عدل گرایبی و جبر گرایبی (همو، ۱۴۰۳، ۱: ۱۹ و ۲۱).

۱. و قد کان شیخنا عزّ الدین أحمد بن مقبل یقول: لو حلف انسان انّ السید المرتضی کان أعلم بالعربیّة من العرب لم یکن عندی آثما، و لقد بلغنی عن شیخ من شیوخ الأدب بمصر أنّه قال: و الله أنّی استفدت من کتاب الغرر مسائل لم أجدھا فی کتاب سیبویه و غیره من کتب النّحو (خوانساری، ۱۳۹۱، ۴: ۳۰۳).

سید مرتضی را باید در زمینه ادبیات و به‌خصوص به کارگیری این فن در علم کلام از استاد خود شیخ مفید شاخص تر و چیره دست‌تر دانست؛ زیرا شیخ با اینکه از ادبیات نیز در مباحث کلامی بهره فراوان برده است (مفید، ۱۴۱۳: ۴۵؛ همو، ۱۴۱۳[ر]: ۳۰ و ۶۵؛ همو، ۱۴۱۳[ز]: ۵۰-۵۲)، ولی بر خلاف شاگرد خود، به عنوان چهره‌ای ادبی شناخته نشده و در نتیجه فاقد بروز و ظهوری است که سید مرتضی از خود نشان داد.

تاریخ

شریف مرتضی در حوزه کلام به صورت گسترده و در عین حال پراکنده به مباحث تاریخی توجه کرده است.^۱ پرداختن به تاریخ کلام نیز از نگاه سید مغفول نمانده و از جمله در کتاب امالی، به صورت متفرقه به بخش‌هایی از تاریخ ملل و نحل و از جمله تاریخ مادی گرایان - ده‌ری‌ها و زنداقه - در صدر اسلام پرداخته است (سید مرتضی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۲۷). همچنین در همین کتاب به شرح حال بعضی از متکلمان مانند: ابراهیم بن سیار نظام (همان، ۱: ۱۸۷-۱۸۹)، حسن بصری (همان، ۱: ۱۵۲-۱۵۷) و ابوالهذیل علاف (همان، ۱: ۱۷۸-۱۸۳) پرداخته است.

البته عملکرد شیخ مفید در این زمینه دارای گستردگی بیشتری است و این گستردگی محصول تقارب زمانی حیات شیخ با عصر غیبت صغری و اطلاعات وسیع تاریخی وی و نیز ضرورت‌های عصر او می‌باشد. شیخ نه تنها به صورت متفرقه در ضمن مباحث کلامی خود و به مناسبت طرح دیدگاه‌های مختلف به تاریخ علم کلام پرداخته و از تاریخ در جهت تبیین مباحث کلامی بهره برده است (مفید، ۱۴۱۳[د]: ۲۶۹-۳۲۲)، بلکه بر اساس دغدغه‌های کلامی (دفاع از حریم امامت و پاسخ به پرسش‌ها و شبهات) دست به تألیف کتب تاریخی مانند «الارشاد» و «الجمل» زده است. این در حالی است که در میان آثار سید، کتاب مستقل تاریخی مشاهده نمی‌شود.

۱. برای نمونه می‌توان به جزء سوم و چهارم کتاب ذخیره مراجعه نمود.

علوم طبیعی

سید مرتضی از علوم طبیعی نیز در بحث خداشناسی (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۴: ۱۷؛ همو، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۴) و دیگر مسائل متفرقه کلامی استفاده نموده است،^۱ که از جمله می‌توان به بحث امکان عمر طولانی برای انسان و وقوع آن، در بحث غیبت امام زمان علیه السلام اشاره نمود (سید مرتضی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۶۷-۲۷۰).

شیخ مفید نیز استفاده چندانی از علوم طبیعی ننموده و بحث‌هایی نیز که در این زمینه مطرح نموده است، متناسب با رهیافت‌های علمی آن زمان می‌باشد (مفید، ۱۴۱۳ [الف]: ۹۹، ۱۰۲ و ۱۳۸).

معرفت عقلی در روش کلامی شریف مرتضی

شریف مرتضی، عقل را قوه‌ای در انسان می‌داند که به وسیله آن می‌توان به تمییز و بازشناسی امور پرداخت (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۲: ۲۷۷). از آنجا که یکی از راه‌های وصول به معرفت عقلی راه نظر و فکر است، لذا ایشان به موضوع نظر نیز پرداخته و به تبیین آن روی آورده است (همو، ۱۴۱۱: ۱۵۸-۱۶۰).

چنان که از آثار او استفاده می‌شود، ایشان بر حجیت عقل تأکید دارد و در مباحث متعددی به ادله عقلی تمسک می‌جوید (همو، ۱۴۰۹: ۱۳۲؛ همو، ۱۴۱۰، ۲: ۳۰۲؛ همو، ۱۴۱۰ [الف]: ۲، ۱۵)، و در این زمینه روش شیخ مفید را ادامه داده است (جبرئیلی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). البته مفید بر این باور است که عقل در استدلال و وصول به نتیجه نیازمند نقل است (مفید، ۱۴۱۳ [الف]: ۴۴)؛ امری که مورد پذیرش سید مرتضی واقع نشده و در حقیقت وی عقل را دلیلی مستقل می‌داند. وی بر این باور است که هر کجا که دلیل نقلی وجود ندارد، عقل در شناخت و کشف احکام حجت است (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۱۰؛ ۲: ۱۱۸)، و در صورتی که در یک مسأله هر دو دلیل عقلی و نقلی وجود داشت، دلیل نقلی را مؤکد عقل می‌داند (همان: ۲۱۰).

۱. مانند: بحث مغناطیس و بهره برداری از آن در بحث اعجاز و نفی سحر (سید مرتضی، ۱۳۶۳: ۴۰۷)، بحث تأثیر ستارگان بر عالم و نفی نقش فاعلی آنها (همو، ۱۴۱۰، ۲: ۳۰۱)، بحث زیستی انسان در رابطه با بحث مسخ و امکان آن (همان، ۱: ۳۵۰)، همچنین در آثار خود به بیان حیات، حیوان، ابر، رعد و برق و غیره پرداخته است. ر.ک. سید مرتضی، ۱۴۱۰: جلد دوم و چهارم.

ایشان برای عقل چنان جایگاه ارزشمندی قائل است که حتی معتقد است می‌توان فرض نمود که خداوند بعضی از انبیاء را صرفاً برای تأکید احکام عقلی مبعوث نماید و در نتیجه انبیاء مذکور هیچ شریعتی را دارا نباشند (سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۳۲۳).

سید مرتضی وجوب نظر را بر خلاف اشاعره عقلی می‌داند (همو، ۱۴۱۹: ۱۲۴-۱۲۵؛ همو، ۱۳۶۳، ۲: ۵۷۱). همچنین وی وجوب نظر را همانند استادش شیخ مفید (۱۴۱۴: ۲۰)^۱ نخستین تکلیف، و در عین حال این وجوب را وجوب مقدمی دانسته و آن را به دلیل وجوب معرفت خداوند و برای دستیابی به معرفت الهی واجب می‌داند (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۳: ۱۵ و ۴: ۳۳۸-۳۳۹؛ همو، ۱۴۱۴: ۲۰؛ همو، ۱۴۱۹: ۱۲۵).

او بر خلاف شیخ صدوق (۱۴۲۳: ۲۸۴) و همچون شیخ مفید (۱۴۱۳ [الف]: ۶۱) معرفت حقائق دینی را اکتسابی می‌داند و بر این باور است که عقل در استدلال نیازمند سمع نیست و راه شناخت خداوند را منحصر در عقل می‌شمارد (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۱۲۷)، و برای اثبات صفات الهی - غیر از صفات خبری - نیز همان راهی را رفته که برای اثبات ذات طی نموده است (همو، ۱۴۱۱: ۵۷۲؛ همو، ۱۴۱۹: ۶۱-۶۲؛ همو، ۱۳۸۱: ۱۳۰). همچنین ضمن پذیرش حسن و قبح عقلی به تبیین افعال الهی، و تحلیل مسائلی چون عدل الهی، جبر و اختیار، هدایت و ضلالت، تکلیف و ... می‌پردازد (همو، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۰۶). همچنین در مباحثی همچون ضرورت نبوت (همو، ۱۴۱۱: ۳۲۳؛ همو، ۱۴۱۹: ۱۷۰-۱۷۱)، لزوم وجود امام (همو، ۱۴۱۱: ۴۰۹-۴۱۰؛ همو، ۱۴۱۹: ۱۹۱-۱۹۲)، عصمت انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۱۲؛ همو، ۱۴۱۱: ۴۳۰-۴۳۱؛ همو، ۱۴۱۹: ۱۹۳-۱۹۴) و دیگر صفات مانند: علم به شئون و وجوه سیاست (همو، ۱۴۱۱: ۴۲۹)، شجاع‌ترین (همان: ۴۳۶) و عالم‌ترین به احکام شریعت بودن (همان: ۴۳۳؛ همو، ۱۴۱۰، ۲: ۳۹۴) از ادله عقلی بهره می‌برد.

۱. البته بعضی معتقدند که شیخ مفید اولین فریضه را معرفت الهی می‌داند (مکدرموت، ۱۳۷۲: ۸۰).

بهره‌گیری از تأویل

سید دلالت عقل را از دلالت دیگر منابع قوی‌تر می‌شمارد (همو، ۱۴۰۹: ۱۰۹)، و هر خبری که با دلائل عقلی ناسازگار باشد را در صورت تأویل ناپذیری باطل می‌شمارد (همان: ۱۷۱). وی آیات موهم تجسیم یا نفی عصمت انبیاء را تأویل می‌برد (همو، ۱۴۱۰، ۱: ۱۲۳-۱۲۴؛ همو، ۱۴۰۳، ۱: ۵۲۶؛ همو، ۱۳۸۱: ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۸-۲۲۴ و ۲۵۵-۲۶۸)، و در این موضوع نیز شیوه استادش مفید (۱۴۱۳ [الف]: ۵۴، ۷۴ و ۱۲۵؛ ۱۴۱۳ [ر]: ۱۴۹؛ ۱۴۱۳ [ج]: ۱۰۶) را اتخاذ نموده است.

سید روایات ناسازگار با ادله عقلی را نمی‌پذیرد؛ به عنوان نمونه معنای آیاتی چون «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامت: ۲۲-۲۳) را به صورت صحیح تبیین و معنای ظاهری آن - که اثبات دیده شدن خداوند است - را تأویل، و احادیثی چون حدیث رؤیت خداوند در قیامت به شکل ماه که در منابع عامه آمده است، را نفی می‌کند (سید مرتضی، ۱۳۸۱: ۲۵۵ به بعد).

محدودیت عقل و نیاز به نقل

سید مرتضی کارایی عقل را در علم تفصیلی به همه امور ناتمام و آن را محتاج به نقل می‌داند و در این زمینه ضمن نقد دیدگاه براهمه در ردّ بعثت انبیاء علیهم‌السلام می‌گوید:

از جمله شبهات براهمه این است که بعثت انبیاء عبث است، زیرا تعالیم پیامبران از دو حال خارج نیست، یا موافق با عقل است که در این صورت نبوت بی فائده و لغو است، چون عقل برای دستیابی به اینگونه تعالیم کافی است، یا مخالف عقل است که در آن صورت نیز چون مخالف عقل است قابل پذیرش نخواهد بود. پاسخ این شبهه این است که بعضی از امور به صورت تفصیلی با عقل قابل شناخت است که در اینگونه امور به بعثت انبیاء نیاز نیست، ولی عقل نسبت به بعضی از امور فقط علم اجمالی به دست می‌دهد و تفصیل آنها منوط به شرع می‌باشد. عقل به صورت اجمالی دلالت می‌کند که آنچه انسان را به قبیح فرا خواند قبیح است و آنچه او را از قبیح باز دارد حسن است، ولی عقل به صورت تفصیلی نمی‌داند که چه فعلی دارای چه صفتی است. این سمع است که تفصیل احکام عقلی را بیان می‌کند. لذا بعثت انبیاء حسن بوده و احکام سمعی با احکام عقلی تنافی ندارند، و در صورتی تنافی داشتند که سمع

احکام اثباتی عقل را نفی، یا احکام نفی شده به وسیله عقل را اثبات نماید؛ در حالی که چنین تنافی وجود ندارد (سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۳۲۶؛ همو، ۱۴۱۹: ۱۷۰-۱۷۲).

نمونه‌های دیگر مرتبط با این بحث در ادامه و در ضمن بیان منزلت نقل خواهد آمد.

شیخ مفید نیز بر نارسایی عقل نسبت به اثبات برخی مسائل تأکید ورزیده است (مفید، ۱۴۱۳ [الف]: ۶۸ و ۷۱)؛ و از این‌روی روش بعضی را که خواسته‌اند اصول دین و شریعت را با عقل و اجتهاد بیابند، مردود دانسته است (همو، ۱۴۱۳ [د]: ۱۰۵).

معرفت نقلی در روش کلامی سید مرتضی

منظور از معرفت نقلی وصول به حقائق از طریق نقل و به واسطه قرآن، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومین علیهم السلام می‌باشد. سید مرتضی نیز مانند دیگر متکلمان و از جمله شیخ مفید حجیت قرآن، سنت نبوی و ولوی را پذیرفته و صرفاً در حد و حدود سنت و طریق دست‌یابی به آن سخن دارد (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۱۰ و ۲۴۰).^۱ ایشان در کتاب الذخیره ضمن نقد دیدگاه غیر معرفتی دانستن اخبار، به علم‌آوری بودن اخبار و بیان نمونه‌هایی از اخبار معرفت‌زا می‌پردازد (سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۳۴۴)؛ سپس اخبار را به دو نوع علم آور و غیر آن تقسیم و اخبار آحاد و غیر متواتر را از نوع دوم و غیر حجت می‌شمارد. سید اخبار علم آور را نیز به دو گونه تقسیم می‌کند که عبارتند از: اخباری که برای هر عاقلی علم حاصل می‌کنند و جای شک و شبهه‌ای نمی‌گذارد، مانند اخبار مربوط به وجود شهرها و ...؛ و اخباری که نیازمند نظر و تأمل می‌باشد، مانند اخبار مربوط به معجزات غیر قرآنی پیامبر صلی الله علیه و آله و نصوص امامت امام علی علیه السلام (همو، ۱۴۱۱: ۳۴۵). وی در ادامه برای نوع اخیر اخبار، شرائطی را مطرح و قطع آور بودن و پذیرش اخبار را منوط به آنها می‌کند. تعدد راویان به نحوی که صدور کذب و توافق بر امر دروغ از سوی آنها پذیرفتنی نباشد، دچار شبهه و ابهام

۱. برای اطلاع از دیدگاه‌های شیخ مفید در این زمینه، رک. جبرئیلی، ۱۳۸۹: ۱۸۳.

۲. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه سید مرتضی درباره خبر واحد، رک. سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۱.

در خبر منقول نبودن، و وجود شرائط مذکور در تمام طبقات راویان، از جمله این شرائط می‌باشد (همان: ۳۵۱). سید مرتضی در عین حال تمامی این شرائط را در میان شیعه و اخبار آنها محقق و لذا اخبار آنها را قطع آور می‌داند (همان: ۳۵۳-۳۵۵). شیخ مفید نیز ضمن مردود شمردن خبر واحد (۱۴۱۳[ج]: ۵۲؛ ۱۴۱۳[ز]: ۲۰-۲۱ و ۲۷)، برای قبول یا ردّ روایات ملاک‌هایی دارد (خانجانی، ۱۳۸۲: ۱۶۲)؛ که از جمله متّهم نبودن راوی در نقل روایت، هماهنگی بین روایات و عدم وجود اضطراب در روایات می‌باشد (مفید، ۱۴۱۳[ز]: ۸۷-۹۰؛ همو، ۱۴۱۳[ز]: ۲۴).

از جمله مصادیق دیگر معرفت نقلی اجماع است که عبارت است از اتفاق نظر و عمل دانشمندان دینی در یک حادثه شرعی در دوره پس از رسول خدا ﷺ (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۶۲).

همانند شیخ مفید که اجماع را در جایگاه خود حجت می‌داند و در موارد متعددی از آن بهره برده است (۱۴۱۳[د]: ۱۳۰؛ ۱۴۱۴: ۴۵؛ ۱۴۱۳[ذ]: ۲۹؛ ۱۴۱۳[و]: ۷۶ و ۹۳)، سید مرتضی نیز به این موضوع توجه نموده است. به اعتقاد سید اجماع در صورت تحقق، شامل سخن معصوم که در هر زمانی وجود دارد، می‌باشد و به همین جهت نیز حجت است. البته حجیت اجماع منحصر در مواردی است که اجماع در آنها ممکن باشد؛ نه مانند مسأله توحید و عدل و امثال آن که اموری عقلی بوده و شناخت امام و در نتیجه حجیت کلام آنها تا قبل از آن ممکن نیست (سید مرتضی، ۱۳۶۳: ۶۰۳-۶۲۶)¹.

سید در مسائلی مانند اثبات امامت امام علی علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام که اثبات آنها از طریق عقل و نقل ممکن است، در کنار ادله عقلی از ادله نقلی نیز بهره برده (ر.ک. سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۴۳۸-۴۴۲ و ۵۰۲-۵۰۳؛ همو، ۱۴۱۰، ۴: ۱۳۰-۱۳۳؛ همو، ۱۴۱۰[الف]: ۲، ۲۱۷ و ۳: ۲۱۹-۱۴۲؛ همو، ۱۴۱۹: ۲۰۵-۲۲۶)، و در پاره‌ای از مسائل فرعی مرتبط با آنها که عقل از اثبات آنها ناتوان است، صرفاً از رهگذر نقلی به اثبات آنها می‌پردازد (ر.ک. سید مرتضی، ۱۴۱۱ و ۱۴۱۹).

به عنوان نمونه در بحث برتری پیامبران بر فرشتگان می‌گوید:

۱. برای اطلاع از دیدگاه سید درباره اجماع، ر.ک. سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۲: ۱۱۷.

ملاک فضل و برتری که کثرت ثواب است از محدوده شناخت عقلی خارج است، و چیزی است که تنها خداوند که عالم به غیوب است از آن مطلع است. بنابراین تنها مرجع تشخیص اینکه چه کسی از ثواب بیشتری برخوردار و در نتیجه افضل است، راه سمعی می‌باشد (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۱۰۹؛ همان، ۱: ۱۸۴، همان، ۲: ۱۵۵-۱۵۶).

همچنین از دیدگاه سید مرتضی آگاهی از حوادث گذشته و آینده و علم به امور غیبی شرط عقلی امامت نیست و علم ائمه شیعه به امور غیبی از طریق روایات فراوانی که به دست ما رسیده ثابت شده است (همو، ۱۴۱۰، ۱: ۲۸۲).

ایشان مباحث معاد و فرجام شناسی را نیز عقلی - سمعی دانسته و بخش عقلی را با عنوان «الکلام فی الافعال» (همو، ۱۴۱۱: ۲۷۶) و مباحث نقلی را با عنوان «الوعید السمعی» (همان: ۵۰۴) مطرح نموده است.^۱

سید در مواردی مانند عدم ریاست غیر امام بر امام به عرف شرعی، و در موضوع یکی بودن امام در هر زمان و مسأله رجعت به اجماع تمسک کرده است (همو، ۱۴۱۱: ۴۳۶).

به طور کلی گرچه سید مرتضی در بهره‌بری از عقل و نقل در بعضی از امور جزئی با شیخ مفید اختلاف دارد، ولی نسبت به اصل جایگاه معرفتی آن دو، روش استادش را ادامه داده است.

شیوه مواجهه سید مرتضی با دیگر آراء و فرق کلامی

آثار متعدد سید مرتضی نشان می‌دهد که وی همانند شیخ مفید با بهره‌بری از همین مکتب عقلی و نیز با استفاده از ادله نقلی، در کنار تثبیت مبانی تشیع، به نقد و بررسی عالمان و نظریه پردازان دیگر فرق و مذاهب نیز پرداخته است.

سید بر اساس همین مکتب، و در راستای نقد دیگر آراء، کتاب الشافی فی الامامة را در نقد مباحث امامت کتاب المغنی قاضی عبد الجبار معتزلی، کتاب تنزیه الانبیاء

۱. مباحث معاد در دیگر کتاب‌های سید مانند رسائل الشریف المرتضی، جمل العلم و العمل، به هر دو صورت عقلی و نقلی مورد بررسی قرار گرفته است.

را در رد شبهات و اشکالات وارده بر عصمت مطلقه انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام کتاب الموضح عن جهة اعجاز القرآن را برای اثبات دیدگاه خود و نیز استادش شیخ مفید (۱۴۱۳[الف]: ۶۳) درباره قرآن یعنی نظریه صرفه و رد دیگر دیدگاه ها، و کتاب المقنع فی الغیبة را در رد منکرین و إشکال کنندگان بر غیبت حضرت حجت علیه السلام و اثبات امامت و غیبت آن حضرت نوشته است. کتاب الملخص فی اصول الدین نیز به جهت در برداشتن باب توحید، صفات خداوند و باب عدل، جایگاه معرکه آراء میان متکلمان و اندیشمندان مسلمان از اهل حدیث، معتزله، مجتبه، اشاعره، کرامیه، عدلیه، قدریه، مرجئه و غیره می باشد. ایشان در این کتاب، اندیشه‌ها و نظریات متکلمان مسلمان معاصر و متقدم بر خود نظیر: قاضی عبد الجبار، أبو علی و أبو هاشم جبائی، یحیی بن عدی، ضرار بن عمرو، ابن کلاب، سلیمان بن جریر، نظام، عبّاد بن سلیمان، ابو بکر ابن عیّاش، أبو عبد الله بصری، ابو الهذیل علف، جهّم بن صفوان، نجّار، صالح بن عمر صالحی، و غیره را مطرح نموده است.

سید مرتضی منزل خود را محلی برای مناظره قرار داده بود (عسقلانی، ۱۴۰۶، ۴: ۲۲۳)، و در تمامی فعالیت‌های علمی و به خصوص در مکاتبات و مناظرات علمی خود ادب، اخلاق و انصاف را رعایت می نمود و در نتیجه در مجلس درس او علمای بزرگی از مذاهب مختلف شرکت، و به مناظره و مباحثه می پرداختند (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ۱۵: ۲۹۴) از جمله می توان به مناظره وی با ابوالعلاء معری که فردی دهری مسلک است درباره حدوث و قدم عالم، اشاره نمود (طبرسی، ۱۴۰۱، ۱: ۵۰۲-۵۰۶).

شریف مرتضی در کنار تعامل با علمای دیگر مذاهب، از بزرگان شیعه چون ابن بابویه، شیخ صدوق، شیخ مفید، کلینی، ابن جنید، به نیکی و بزرگی یاد می کند (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۱: ۱۷۷، ۱۷۸، ۳۵۰ و ۴۰۸) و در عین حال در مباحث علمی نیز، گاه به نقد دیدگاه‌های آنان می پردازد.

لازم به ذکر است که ایشان رساله‌ای نیز با عنوان «مناظره الخصوم و کیفیة الاستدلال علیهم» دارد که به بیان شیوه مناظره و مواجهه علمی با مخالفین می پردازد (سید مرتضی، ۱۴۱۰، ۲: ۱۱۵-۱۳۰). گرچه این رساله راهکارهای مناظره در مباحث فقهی را ارائه می کند، ولی در لابلاي مباحث آن شیوه‌های کلی مناظره که قابل

استفاده در علم کلام نیز می‌باشد، وجود دارد. در بعضی رساله‌های دیگر نیز به نحوه مناظره و آداب آن پرداخته‌اند (همان، ۱: ۷).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سید مرتضی با تبعیت از روش استاد خود شیخ مفید، در مباحث کلامی با استفاده از علوم گوناگون و قابل استفاده در علم کلام، و با رویکردی عقل‌گرایانه و با استفاده از روش‌های منطقی، و با بهره‌بری از ادله نقلی، به تبیین و اثبات معارف شیعی پرداخته؛ و دیدگاه‌های دیگر اندیشمندان را به صورت منصفانه و اخلاق‌مدارانه نقد و بررسی کرده است.

وی در عین توجه به ادله نقلی، در صورت بروز تعارض بین عقل و نقل قطعی – مانند قرآن و احادیث قطعی – شیوه تأویل را به عنوان راهکاری برای ایجاد توافق بین آن دو اتخاذ کرده، و نقل غیر قطعی و معارض با عقل را کنار گذاشته است. در مجموع وی در تثبیت، تکمیل و ترویج روشی که در مکتب شیعی بغداد توسط شیخ مفید بنیان نهاده شده بود، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد و راه را برای شاگردش شیخ طوسی هموارتر ساخت.

فهرست منابع

- ابن جوزی، سبط (۱۴۱۲)؛ *المنتظم*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن شهر آشوب (۱۳۸۰)؛ *معالم العلماء*، نجف، منشورات المطبعة الحیدریة.
- افندی، میرزا عبدالله (بی تا)؛ *ریاض العلماء*، قم، مطبعة الخیام.
- جبرئیلی، محمد صفر (۱۳۸۹)؛ *سیر تطور کلام شیعه (دقتر دوم)*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۲)؛ *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهة.
- خانجانی، قاسم (۱۳۸۲)؛ *مقاله روش پژوهشی شیخ مفید در تاریخ نشریه پژوهش و حوزه*، شماره ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان.
- خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۱)؛ *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، قم، نشر اسماعیلیان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۲۳)؛ *التوحید*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- طبرسی، ابومنصور (۱۴۰۱)؛ *الاحتجاج*، بیروت، مؤسسه اهل بیت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵)؛ *رجال الطوسی*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- (۱۴۱۷)؛ *الفهرست*، قم، مؤسسه نشر الفقاهة.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۶)؛ *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۳۶۳)؛ *الذریعة الی اصول الشریعة*، مصحح ابوالقاسم گرجی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۱)؛ *الملخص فی اصول الدین*، تحقیق محمد رضا انصاری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- (۱۴۰۳)؛ *أمالی السید المرتضی فی التفسیر و الحدیث و الادب*، قم، منشورات مکتبة آية العظمی المرعشی النجفی.
- (۱۴۰۹)؛ *تنزیه الانبیاء*، بیروت، دارالاضواء.
- (۱۴۱۰)؛ *رسائل الشریف المرتضی*، قم، دارالقرآن الکریم.

- (۱۴۱۰[الف])؛ الشافی فی الامامة، تهران، مؤسسة الصادق.
 - (۱۴۱۱)؛ الذخيرة فی علم الکلام، تحقیق سید احمد حسینی، قم، النشر الاسلامی.
 - (۱۴۱۹)؛ شرح جمل العلم والعمل، تهران، دار الاسوة للطباعة و النشر.
 - مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)؛ النکت الاعتقادیة، قم، کنگره شیخ مفید.
 - (۱۴۱۳[الف])؛ اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
 - (۱۴۱۳[ب])؛ الحکایات فی مخالقات المعتزلة من العدلیة، قم، کنگره شیخ مفید.
 - (۱۴۱۳[ج])؛ المسائل العکبریة، قم، کنگره شیخ مفید.
 - (۱۴۱۳[د])؛ الفصول المختارة، قم، کنگره شیخ مفید.
 - (۱۴۱۳[ذ])؛ الإنصاح فی الإمامة، قم، کنگره شیخ مفید.
 - (۱۴۱۳[ر])؛ تصحیح اعتقادات الإمامیة، قم، کنگره شیخ مفید.
 - (۱۴۱۳[و])؛ الجمل، قم، کنگره شیخ مفید.
 - (۱۴۱۴)؛ النکت فی مقدمات الاصول، بی‌جا، دارالمفید.
 - (۱۴۱۳[ز])؛ المسائل السرویة، قم، کنگره شیخ مفید.
 - (۱۴۱۳[ژ])؛ عدم سهو النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکدرموت، مارتین (۱۳۷۲)؛ اندیشه کلامی شیخ مفید، ترجمه: احمد آرام، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- نجاشی، ابوالعباس (۱۴۲۷)؛ رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- نعمه، عبدالله (۱۹۸۷)؛ فلاسفة الشيعة حياتهم و آرائهم، بیروت، دارالفکر اللبنانی.